

## تاریخ باورها و اندیشه‌های کلامی و مذهبی در اسلام و تشیع

حسن انصاری

### ۱- جریان‌های تاثیرگذار بر تشیع در قرون نخستین اسلامی

تشیع در طول سه سده نخست خود طیف‌های مختلفی را به خود دید؛ گرایش‌های مختلفی که ریشه در منابع اعتقادی مختلف در بوم‌ها و در جریان‌های گوناگون داشت: شماری از شیعیان تنها به این دلیل شیعه قلمداد می‌شدند که از لحاظ سیاسی به خاندان اهل بیت تعلق خاطر داشتند؛ گروهی دیگر تنها طبق سنتی در کوفه، به فقه حضرت امیر و اهل بیت تعلق داشتند. گروهی هم ضمن تعلق سیاسی به علویان، کلیت نظام مشروعیت مسلط در جامعه اسلامی را به چالش می‌کشیدند.

این چالش ابعاد مختلفی را شامل می‌شد و دامنه‌اش می‌توانست در میان گروه‌های مختلف شیعی متفاوت باشد. بدین ترتیب برخی صرفاً نظام حاکمیت سیاسی پس از پیامبر را به پرسش می‌گرفتند (و حتی در میان آنان کسانی تنها با نظام دینی سیاسی امویان و دخالت‌های امویان در امور شریعت مخالفت می‌ورزیدند) و برخی نیز تئوری‌هایی برای تفسیر دین، امت، شریعت، ظاهر و باطن دین می‌پرداختند که اساس نظام مشروعیت دینی و سیاسی حاکم را زیر پرسش می‌گرفت.

در این طیف اخیر گروه‌های غلات به تدریج شکل گرفتند و نظریات خود را به تدریج تکمیل و بارور ساختند. شیعیان در نیمه دوم سده دوم و نیمه اول سده سوم، میراث‌بر همه این جریان‌ها و طیف‌های گوناگون بودند و اختلافات درون گروهی و برون گروهی در طیفی از همین مسائل به صورت ضعیف و شدید ایجاد شد. بنابراین نمی‌توان غلات سده دوم را با سده سوم و بعد از آن با یکدیگر خلط کرد؛ کما اینکه نمی‌توان اعتدال شیعی را در دوره‌های مختلف با یکدیگر آمیخت. پاره‌های اندیشه به سادگی وام گرفته می‌شد و تعاملی زنده در میان همه طیف‌ها وجود داشت.

به دلیل موضع اقلیت شیعیان در برابر هیئت حاکمه و بسته به شرایط اجتماعی و سیاسی مختلف روابط مستمری میان طیف‌های مختلف شیعی وجود داشت و گاهی انتقال از یک اردوگاه به دیگری بسیار آسان صورت می‌پذیرفت. بدین ترتیب در بستر تاریخی، از تئوری‌های کهن‌تر نظریات جدیدتری ارائه می‌گردید و تأثیر و تأثرات همواره برقرار بود.

در میراث کهن شیعی همه این طیف‌ها به اندازه‌های مختلفی حضور خود را حفظ می‌کردند و هر یک سهم خود را بر جای می‌گذاشتند. اتوریتته کاملی برای حذف یک اندیشه و یا حفظ اندیشه‌ای دیگر وجود نداشت و به دلیل آنکه سهم هر یک از این گروه‌ها از لحاظ اجتماعی در جامعه شیعیان قابل اعتنا بود، هر کوششی برای حذف دیگری نه تنها مؤثر نبود، بلکه در وضعیت اقلیت بودن شیعیان، به نظر هیچ کس از شیعیان و رهبران محلی آنان مفید قلمداد نمی‌شد.

با این وصف اختلافات فکری کم و بیش گاهی از عمق به سطح می‌آمد. فی‌المثل در رابطه با محدث و فقیه شیعی ابن ابی یعفور در منابع تاریخی می‌بینیم که موضع اعتدالی او از سوی شماری دیگر از شیعیان به شدت محل انتقاد قرار می‌گرفت؛ اما هیچ‌گاه گسست کاملی میان شیعیان مخالف طیف اعتدالی با آنان و از جمله ابن ابی یعفور به انجام نرسید.

## تاریخ باورها و اندیشه‌های کلامی و مذهبی در اسلام و تشیع ۵

جریان‌های غالی شیعی در دو سده دوم و سوم قمری و البته متأثر از بسیاری از افکار و جریان‌ات مذهبی و فکری در بین‌النهرین و ایران و از جمله گرایش‌ان گنوسیستی و نیز پاره‌ای از باورهای مذهبی در طیف‌هایی از مسیحیان و مانویان و ثنوی اندیشان و آیین‌های ایرانی پیشا اسلامی، منظومه/ منظومه‌های فکری‌ای در رابطه با "تاریخ نجات" و جایگاه انسان در آن و نسبت میان خدا و انسان و نسبت امر مطلق قدیم با عالم خلق/ابداع داشته‌اند که این نظرات به صورت‌های مختلف و در قالب تعابیر گوناگون در طیف‌هایی از تشیع نخستین مجال ظهور یافته بوده است.

طرح این موضوعات در قالب بحث‌هایی که در زمینه مسائل جهان‌شناسی و کیهان‌شناسی، تاریخ مقدس و فرجام باوری ارائه می‌شده پیشینه‌ای کهن در افکار و عقاید دینی و فلسفی داشته است که بین‌النهرین و عراق پس از اسلام میراث‌خوار آن همه افکار بوده است. البته طبعاً بخشی از مسائلی که در میان غلات شیعی طرح می‌شده جنبه مذهبی سیاسی داشته و ناظر به وضع موجود بوده است.

با وجود آنکه تحولات سیاسی در دوران اسلام نخستین در شکل‌دهی به غلات شیعی و جهت‌گیری‌های آنها تأثیری تمام داشته است و نوع و گونه ابراز مطالب و عقاید را شکل می‌داده، با این وصف برای تحلیل دقیق منظومه‌های فکری آنان شناخت همه جانبه از همه جریان‌ات فکری، فلسفی و مذهبی پیش‌گفته در عراق دو سده نخستین ضروری است.

عقاید غلات را بدین ترتیب نمی‌توان برکنار از عقاید گروه‌های مانویان و ثنویان و ملحدان و نیز عقاید معتزلیان و مرجئه و جهمیه و شماری دیگر از فرق و طیف‌های مذهبی آن دوران مورد مطالعه قرار داد. سنت‌های نو افلاطونی و هرمسی اواخر عهد باستان و گرایش‌ات ثنوی، در عراق و محیط اطراف آن در دو سده نخستین اسلام قابل ردیابی است و غلات شیعی که ریشه در گرایش‌ات کیسانی در نخستین ظهور تاریخی خود دارند، در ارتباط با همین جریان‌ات و مفاهیم شکل گرفته‌اند.

از دیگر سو، شناختی عمیق از شرایط مذهبی در دوران امویان، بروز تشیع کوفی، انقلاب عباسی و ویژگی‌های شیعی آن، بروز جریانات افراطی و از جمله تشیع افراطی در دوران پس از انقلاب عباسی، شناخت دقیق طیف‌هایی مانند غلات خطابی، منصوریه، بیانیه و مغیره در نیمه دوم سده دوم قمری، تحولات مذهبی در جامعه شیعه در دوران چهار امام آخر شیعه، بروز اختلافات فکری در میان جامعه شیعه در نیمه سده سوم و دخالت مسائل سیاسی در بغداد و ده‌ها موضوع دیگر است که می‌تواند شناخت ما را از پدیده‌ای به نام شیعیان غالی روشن کند.

بدین ترتیب بررسی همه جانبه و در عین حال تاریخی نگر مفاهیم، اصطلاحات و متون و اسناد می‌تواند راهی را برای محقق امروزی باز کند و به همین دلیل نمی‌توان صرفاً بر اساس پیش داوری‌های غیر دقیق و مبتنی بر دیدگاه‌های ایدئولوژیک و یا مفاهیم برساخته و غیر تاریخی برای تعیین حدود و ماهیت غلو در اسلام شیعی احکام کلی صادر کرد. مسئله و مشکل محوری غلات با دیگران ارائه "نظریه فوق بشری از امامان" و یا مخالفت با این نظریه نبوده است؛ بلکه درونمایه اصلی اختلاف میان غلات شیعه با سایر شیعیان و یا طیف‌های مختلف اسلامی در این بوده است که غلات منظومه /منظومه‌هایی جهان‌شمول ارائه می‌دادند که شامل مباحث وجود شناختی، معرفت شناختی و نظریه تاریخ / فراتاریخ بود که متأثر از جریانات فکری و عقاید گنوسیستی و ثنوی اندیشی طراحی می‌گردید.

در نخستین جریانات غالبانه البته تصویر کامل و روشنی از این دست عقاید ابراز نمی‌شد و بیشتر مباحثی در محور امام شناسی ارائه می‌گردید و به ویژه کانون بحث‌ها در محور طبیعت مقام امام و نحوه انتقال امامت بود. در کنار این بحث، مسئله نگره تأویلی به دین و توجه به امور باطنی محل عنایت بود.

غلات در نخستین دوره‌های ظهور در دوران اسلامی، با دل‌مشغولی سخت به واقعیت اجتماعی و سیاسی تعالیم خود را در چارچوبی متأثر از همین محور ارائه می‌دادند و طبعاً

## تاریخ باورها و اندیشه‌های کلامی و مذهبی در اسلام و تشیع ۷

میراث تشیع نخستین و مأثورات و متون و دعاوی تبلیغی شیعی نخستین، آن طور که در سده‌های اول و دوم به ویژه در کوفه بروز می‌یافت را مورد استفاده قرار می‌دادند. البته غلات شیعی در ابراز منظومه‌های فکری خود گام‌های دیگری برداشتند و منظومه‌های فکری آنان بحث‌های عمیق‌تری را در زمینه مسائل باطنی و تأویلی و تاریخ مقدس و ثنوی اندیشی ارائه داد.

غلات متأخرتر و از جمله طیف‌های غلات در سده چهارم و پنجم نماینده تحولات بعدی در اندیشه غلاتند، به طوری که در آثار آنان می‌توان تکامل نظریات اولیه و خام نخستین را به خوبی باز یافت. اما به هر حال تعاملی میان عقاید شیعی در محیط عام شیعی با عقاید غلات وجود داشت و این تعامل همواره پس از آن ادامه یافت. هم آنان متأثر از بحث‌ها و مسائل دینی و مذهبی عام شیعی می‌شدند و هم طیف‌های مختلف شیعی از عقاید غلات اطلاع حاصل می‌کردند و موضع‌گیری می‌کردند.

به طور مثال اینجا باید به نظریه عصمت امام اشاره کرد که برخلاف نظر آقای محسن کدیور در مقاله "فرائت فراموش شده" نه تنها نظریه‌ای برخاسته از اندیشه‌های غالیان نیست، بلکه نظریه‌ای است مبتنی بر عقاید تشیع نخستین درباره طهارت اهل بیت که در برابر نظریات غلات درباره طبیعت متافیزیکی امامان ابراز گردید. *مطالعات فقهی*

نظریه کلامی "نص" هم دقیقاً به همین منوال است؛ این نظریه در برابر نظریات طیف‌های غالیان شیعی ارائه گردید که از مکانیزم دیگری برای کشف و انتقال امامت دفاع می‌کردند. طبعاً طیف‌های اعتدالی شیعه و از جمله طیف‌های متکلمان و فقیهان خود از بحث‌های پیچیده‌ای که در میان غلات شیعی مورد تداول بود هم تأثیر می‌پذیرفتند.

دلیل آن هم این بود که اندیشه غلات درون‌مایه‌ای فلسفی داشت که برخاسته از میراث مشترک ادیان و مکاتب فلسفی و کلامی اسلامی و غیر اسلامی مختلف بود و درست است که متکلمان مسلمان با تئوری پردازی‌های غلات شیعی موافق نبودند، اما لزوماً این امر به معنی

نفی کامل مبانی اندیشه‌های آنان نبود؛ بلکه آن نظریات در قالب‌های دیگری مورد تأیید نوافلاطونیان مسلمان قرار داشت و بعدها هم اصول آن نظرات در مکتب عرفان نظری ابن عربی و شاگردان مکتب او و از جمله سید حیدر آملی مورد توجه قرار گرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی